

عوامل و راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی اصحاب دعوی

ناشی از بدرفتاری پلیس

عسکر عزیزتبار ولوکلایی^۱

از صفحه ۸۵ تا ۱۰۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۳

چکیده

با توجه به اهمیت نیروی انتظامی و نقش آنها در حفظ نظم و امنیت در جامعه، پرداختن به مسائل و مشکلات رفتاری کارکنان آن، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بزه‌دیدگی ناشی از رفتارهای منحرفانه و مجرمانه پلیس، جلوه‌های متنوعی دارد و راهکارهای پیشگیری و واکنش ویژه‌ای را نیز می‌طلبد. متأسفانه در مقررات کیفری ایران به کیفیت و نحوه اجرای برخی از وظایف نیروهای انتظامی به نحو شفاف اشاره نشده است و این سکوت قانونگذار موجب اختلاف در برخورد مأموران شده است و آنها با اعمال سلیقه و در نبود معیاری برای سنجش قانونی اقدام‌هایشان گاهی با تجاوز به حریم خصوصی شهروندان و یا با اعمال خشونت فیزیکی و یا روانی علیه آنان، افراد جامعه را بزه‌دیده بدرفتاری خود می‌کنند. اعمال خشونت بیشتر پلیس نسبت به اصحاب دعوا، شاخص‌های امنیت و اعتماد اجتماعی به پلیس را به شدت کاهش می‌دهد و پدیده بزه‌دیدگی اصحاب دعوا خصوصاً اصحاب دعاوی کیفری (شاک، شاهد، افراد مرتبط با جریان پرونده) از بدرفتاری مأموران نظام کیفری را افزایش می‌دهد. اگر دستگاه عدالت کیفری و خصوصاً بخش انتظامی این دستگاه، در رفتار با قربانیان جرائم و تأمین نیازهای به جا و معقول آنان (بویژه قربانیان جرائم خشونت‌بار و جرائم جنسی) کوتاهی کند، "بزه‌دیدگی ثانویه" واقع می‌شود که آثار آن از "بزه‌دیدگی اولیه" کمتر نیست. لذا این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین بزه‌دیدگی اصحاب دعوی ناشی از بدرفتاری پلیس، در دو مقیاس عوامل و راهکارهای پیشگیری می‌پردازد و راهکارهایی برای افزایش سلامت و کارآمدی پلیس جهت کاهش نرخ بزه‌دیدگی ثانویه ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی

بزه‌دیدگی اولیه، بزه‌دیدگی ثانویه، جرائم پلیس، فساد پلیس، پیشگیری نهادمحور.

۱. مقدمه

از دیرباز، "نظامهای حقوق نظامی" به سبب اهمیت نیروهای مسلح، که با حیات و صلح پایدار و نظم و امنیت کشور سروکار دارد، وجود داشته است و ضرورت وجود این نظامهای خاص بر کسی پوشیده نیست. مقنن به سبب حساسیت بسیار آحاد و کارکنان نیروهای مسلح، رفتار ارتكابی آنان را تحت نظارت دقیق قرار داده و به رفتار نیک و رشادتهای آنها و اجرای صحیح مسئولیتها، پاداش و تشویق اعطا، و با تخلفات و جرائم آنان بسختی برخورد کرده است؛ چراکه مقتضیات نیروهای مسلح، نظم و انضباط و بویژه برخورد سنجیده و هوشمندانه با متخلفان و مجرمان است. از طرفی برای جداسازی عناصر سالم از معیوب و شناخت خادم از خائن و به منظور پشتیبانی معنوی از نیروهای مسلح، رسیدگی به جرائم آنان به تقویت روحیه و استحکام فرماندهی و اصلاح امور جاری کمک شایانی خواهد کرد.

نیروی انتظامی به عنوان سازمانی که متولی برقراری نظم و امنیت در جامعه است، باید یکی از سالمترین ارگانهای اجرایی در کشور باشد. این نقش مهم، مأموران پلیس را به حفظ معیارهای اخلاقی در اجرای مقررات ملزم می‌سازد. بنابراین یکی از مهمترین اولویتهای در این رویکرد، ایجاد و حفظ تصویر مناسب از پلیس در جامعه در جهت جذب مشارکت مردم است. با وجود انتظار اجتماعی که از نیروی پلیس به عنوان نماینده حکومت می‌رود، مأموران پلیس اغلب به نقض حقوق شهروندی، سوء استفاده از قدرت، فساد، دستکاری فرایند اجرایی و خشونت مظنون می‌شوند. این تخلفات به عنوان "جرائم حرفه‌ای" به وسیله افرادی معمولی در جریان فعالیتهای معمول و مشروع، چه به عنوان گروه یا چه به عنوان فرد، انجام می‌شود (بلونت، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳). برخی از کارکنان نیروی انتظامی در ایران نیز درگیر برخی رفتارهای انحرافی هستند که سلامت و امنیت جامعه را خدشه‌دار می‌کند؛ این موضوع باعث شده است که شأن و منزلت و جایگاه پلیس و کارکنان آن نزد افکار عمومی دچار آسیب و لطمه شود.

بزه‌دیدگی، فرایندی است که فرد به واسطه یک رویداد، فرد بزه‌دیده را دچار آسیبهای بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی و آسیبهای اساسی به حقوق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌کند. با اینکه وظیفه نهاد عدالت کیفری، جبران خسارات ناشی از جرائم تعیین شده در قانون، مجازات بزهکار طبق آن و احقاق عدالت است، مشاهده می‌شود که افراد دخیل در فرایند کیفری، بزه‌دیدگی را به واسطه عملکرد نهاد عدالت کیفری تجربه می‌کنند به گونه‌ای که گاه رفتار دست‌اندرکاران عدالت کیفری را با خود نامناسب، برخلاف قانون و بی‌اعتنا به حقوق، آزادیها و منافعی می‌بینند تا آنجا که نه تنها عملکرد این سامانه را در جهت احقاق عدالت و جبران

خسارت‌هایشان در نمی‌یابند، بلکه آن را علت ایجاد برخی بزه‌دیدگیها نیز می‌دانند (توجهی و نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

حوزه این نوع بزه‌دیدگیها نه تنها شاکیان، بلکه متهمان را نیز دربرمی‌گیرد که هنوز در پرتو اصل براءت قرار دارند که این خود باعث عدم همکاری افراد با مأموران انتظامی و قضایی، گرایش به نوعی دادخواهی خصوصی و تصفیه حساب شخصی می‌شود و بمراتب زیانبارتر و اسفبارتر خواهد بود؛ پس بزه‌دیدگی می‌تواند از رهگذر عملکرد نادرست عوامل اجرایی و نارساییهای تقنینی مربوط به این نهاد ایجاد شود.

مسئله‌ای که این تحقیق بر بحث و نقد بر آن متمرکز است، این است که چرا گاهی برخی مأموران پلیس از اصول امانتداری و صدق و عزتمندی در ادای وظیفه شریف خود عدول می‌کنند و متأسفانه به ارتکاب جرائم علیه اصحاب دعاوی دست می‌زنند؛ بازتاب نقض کیفری و مجرمانه حقوق اصحاب دعوی در افکار عمومی از دید جامعه شناسی کیفری چیست؟ راهکارهای پیشگیری از جرائم مأموران پلیس علیه حقوق اصحاب دعوی چیست؟

۲. اقسام بزه‌دیده

بیان اقسام بزه‌دیده، امکان دستیابی به شناخت و بینش جامعتری نسبت به آنان را فراهم می‌آورد؛ برای مثال تقسیم‌بندی بزه‌دیدگان بر حسب جنسیت، سن و... باعث می‌شود بزه‌دیدگی اشخاص آسیب‌پذیر مانند کودکان، زنان، معلولان و سالمندان بیشتر مورد توجه واقع شود. جرم‌شناسان با توجه به روابط بزهکار و بزه‌دیده و بسته به نوع عمل مجرمانه و تأثیرات آن، نقش وی در ارتکاب یافتن پدیده مجرمانه و میزان تأثیری که در فرایند مجرمانه دارد، بزه‌دیده را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند که این تقسیم‌بندیها ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۱-۲. بزه‌دیده مستقیم یا اولیه

بزه‌دیده مستقیم کسی است که اولاً و با لذات و بدون هیچ واسطه‌ای در جریان یک جرم، متحمل آسیب می‌شود و مقصود بزهکار هم دقیقاً اجرای بزه روی همین فرد بوده است (فرهودی‌نیا و موسی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

بر این اساس بزه‌دیدگی اولیه یا نخستین به اثر مستقیم جرم بر بزه‌دیده اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر بزه‌دیده اولیه شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد و قربانی بی‌واسطه بزهکار شناخته می‌شود؛ مانند مقتول در جرم قتل یا مالباخته در جرم دزدی (رضائیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴). این نوع از بزه‌دیدگی اغلب با بزه‌دیدگی ثانوی ترکیب شده و با درگیری بزه‌دیدگان با نهاد عدالت کیفری همراه است.

۲-۲. بزه‌دیده غیرمستقیم یا ثانویه

بزه‌دیده غیرمستقیم افرادی نظیر خانواده‌های بزه‌دیده و خانواده بزهکار، شهود و حاضران در صحنه جرم هستند که به طور غیرمستقیم از جرم تأثیر می‌پذیرند؛ مانند اولیای دم مقتول در جرم قتل؛ پس در جایی که رنج و آسیب متوجه فرزندان، خانواده و همسر فرد بزه‌دیده می‌شود باید گفت این افراد بزه‌دیده غیرمستقیم هستند؛ مثلاً در جریان یک رفتار شنیع جنسی، علاوه بر آسیبی که بر خود فرد بزه‌دیده تحمیل می‌شود با مخدوش شدن حیثیت خانوادگی او خانواده و اطرافیان وی نیز بزه‌دیده می‌گردند (فرهودی‌نیا و موسی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

بر این اساس، بزه‌دیدگی ثانویه، دربرگیرنده پیامدهای نامطلوب و نامناسب مادی و معنوی برای بزه‌دیدگی، ناشی از عملکرد نامناسب افراد و نهادهای پاسخگو در برابر رویداد مجرمانه است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵).

هنگامی که در فرایند رسیدگی به پدیده مجرمانه، بزه‌دیده با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی و رفتارهای اهانت‌بار و ناپسند دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس، دادرسان و وکلا رو به رو می‌شود، احساس می‌کند که فراموش شده، مورد مسامحه و غفلت قرار گرفته و یا حتی توسط دستگاه عدالت کیفری به حقوق وی تعدی و تجاوز شده است و در این حالت با بزه‌دیدگی ثانویه رو به رو می‌شود. بخشی از این مسائل ناشی از عدم اجرای صحیح عدالت کیفری در مورد بزه‌دیدگانی است که نیازهای خاصی دارند؛ از جمله حق کسب اطلاعات و دریافت پرسش پاسخهای خود، فرصت بیان واقعیت، بازتوانی و تقویت، جبران یا استیفای حقوق و خسارت (مارلند، ۱۳۸۸، ص ۴۶). این موضوع می‌تواند موجب شود که بزه‌دیده جرم در احقاق حق خود دچار مشکل شود و از دستگاه قضایی به عنوان نمادی از عدالت بلکه در واقع دستگاهی ناعادلانه، دوری گزیند و به همین دلیل به جای تحقق اهداف بازپروری و بازاجتماعی کردن بزه‌دیده، جامعه با مصداقهایی از بزه‌دیدگی ثانوی و حتی بزه‌دیدگی مکرر رو به رو شود.

عنوان بزه‌دیده مکرر به فردی اشاره دارد که بر حسب ویژگیهای شخصی یا اجتماعی خاصی بزه‌دیده واقع می‌شود و مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. این گونه افراد به دلایل مختلفی چون بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی، ترس از شکایت و ترس از تهدیدهای بزهکار و عملی ساختن آن، حفظ آبرو، پنهان ماندن این موضوع از دید دیگر افراد، شکایت نمی‌کنند و همین امر بزه‌دیدگیهای بعدی او را به همراه می‌آورد؛ بر خلاف برخی دیگر از افراد، که از بزه‌دیده به بزهکار تبدیل می‌شوند؛ به طور نمونه می‌توان از زنانی نام برد که قربانی خشونت‌های فیزیکی و روانی در محیط خانواده از جانب شوهران خود قرار می‌گیرند. واکنش‌های مختلفی از چنین زنانی دیده

می‌شود؛ اما دسته‌ای از افراد، بزه‌دیدگان مکرری هستند که رفتار خشونت‌آمیز را می‌پذیرند و شکایتی نمی‌کنند که پیش زمینه آنها هم دلایلی چون حفظ آبرو، وجود فرزندان، ترس از بی‌سرپرست شدن و مشکلات طلاق و روند طولانی آن است یا کودکی که مورد سوءاستفاده جنسی پدر یا دیگر افراد خانواده قرار می‌گیرد و گاه این عمل تا چندین سال ادامه می‌یابد اما به دلیل ناتوانی کودک و موقعیت ویژه‌ای که به لحاظ سن و جنسیت و نبود سرپرست دیگر دارد به طور دائم بزه‌دیده واقع می‌شود (بولک، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

۳. تأثیر بدرفتاری پلیس بر بزه‌دیدگی اصحاب دعوی

بدرفتاری پلیس و تأثیر آن بر بزه‌دیدگی اصحاب دعوی، مستلزم بیان این رفتار در دو گونه بزه‌دیدگی یعنی بزه‌دیدگی اولیه و بزه‌دیدگی ثانویه است که بیان می‌شود.

۳-۱. تأثیر سوءرفتار پلیس بر بزه‌دیدگی اولیه اصحاب دعوی

بزه‌دیده‌شناسی اولیه به مطالعه ویژگیها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و در واقع بزه‌دیده‌شناسی اولیه شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت‌شناسانه است که در آن نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و به عنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزهکار به بررسی و در کنار دیگر علل و عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد و در مقابل بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی پیشگیرانه، شیوه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی را بررسی و مطالعه می‌کند. بزه‌دیدگی اولیه در مقابل بزه‌دیدگی ثانویه (مکرر) قرار دارد (ساریخانی، ۱۳۸۹، ص ۳۸). چگونگی واکنش پلیس به جرائم و چگونگی رفتار آنها با متهمان یکی از دغدغه‌های دستگاه عدالت است. نگرانیها نسبت به احتمال تعدی نیروهای پلیس به حقوق متهمان، موجب شده است که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها، سازوکارهایی به منظور ارتقای رعایت حقوق افراد، پیش‌بینی و توجه مأموران پلیس به رعایت آنها معطوف شود (محمودی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). از این رو اهمیت دارد که ضوابط حاکم بر فرایند بازجویی از متهم از سوی پلیس در مرحله تحقیقات ابتدایی، یعنی بازجویی و تحقیقات لازم از متهم هنگام دستگیری وی توسط پلیس تا ارجاع پرونده به دادسرا بررسی و تحلیل شود تا آسیبها و بزه‌دیدگیهای ناشی از عدم رعایت حقوق افراد در فرایند تعقیب و تحقیق کیفی بر بزه‌دیدگی آنها شناسایی، و برای رفع آنها راهکارهای پیشگیرانه ارائه شود. قانون آیین دادرسی کیفی مصوب ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات

مهمی کرده و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. هم‌چنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (یعنی نزد بازپرس) به طور کامل متحول شده است (فرهودی‌نیا و موسی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۳۵۴).

نیروی انتظامی، سازمانی مستقل است که بر اساس بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از نیروهای تابع نیروهای مسلح است و تحت فرماندهی معظم کل قوا اقدام می‌کند. این سازمان بر اساس قانون تشکیل ناجا به وزارت کشور وابسته است و وزیر کشور به عنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی از سوی آن مقام تعیین می‌شود. از سوی دیگر، این سازمان از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط قضایی انجام می‌دهد، زیر نظر دادستان اقدام می‌کند. وظیفه اصلی این سازمان، تأمین نظم عمومی در زمان صلح است و در زمان جنگ نیز به دلیل وابستگی به نیروهای مسلح در صورت نیاز در عملیات جنگی شرکت می‌کند. وظایف این سازمان در زمان صلح به دو دسته اداری و قضایی تقسیم می‌شود: پلیس اداری تلاش می‌کند از وقوع جرم در جامعه پیشگیری کند؛ ولی به‌رغم تلاشهای این پلیس، وقوع برخی تخلفات اجتناب‌ناپذیر است. پس از وقوع جرم وظایف پلیس قضایی در راستای کشف جرم، دستگیری متهم و... آغاز می‌شود و تا صدور حکم قطعی و اجرای آن ادامه می‌یابد. این نیرو متناسب با موقعیت‌ها و وضعیت‌های گوناگون، وظایف متعدد و گوناگونی را عهده‌دار است که اجرای هر یک از آنها با امنیت داخلی یا خارجی ارتباط تنگاتنگی دارد. به منظور اجرای درست و دقیق این وظایف و پیشگیری از تخلفات شغلی کارکنان ناجا، مقررات قانونی یا آیین‌نامه‌ای تنظیم شده است. مقررات تقنینی ناظر به تعریف جرائم و مجازات آنهاست.

تنبیهات انضباطی کارکنان نیروی انتظامی در ماده ۱۲۰ قانون استخدام ناجا مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۷-۵ در ۱۵ بند به این شرح بیان شده است: ۱. توبیخ شفاهی ۲. توبیخ کتبی ۳. توبیخ در سطح قسمت ۴. توبیخ در سطح سازمان ۵. توبیخ در سطح نیروی انتظامی ۶. خدمت شبانه‌روزی در قسمت حداکثر به مدت سی روز ۷. بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر به مدت سی روز ۸. کسر حقوق حداقل به میزان یک پنجم، حداکثر به مدت چهار ماه ۹. انتظار خدمت حداکثر به مدت شش ماه ۱۰. بدون کاری حداکثر تا سه ماه ۱۱. محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت چهار سال ۱۲. تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر تا سه ماه ۱۳. تنزیل دائم یک درجه یا رتبه ۱۴. معافیت از خدمت ۱۵. اخراج از خدمت.

این تخلفات انضباطی به ترتیب معیارهای قلمرو کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین معیار بررسی به تعریف قاعده حقوقی در مقرر قانونی یا آیین‌نامه‌ای مربوط می‌شود. این تنبیهات انضباطی از سویی در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی بیان، و از سوی دیگر، همین تخلفات در ماده ۱۱۷ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح تعریف شده است. از این رو در صورتی که تعریف قانون استخدامی نیروی انتظامی مبنای تحلیل قرار گیرد، این تنبیهات در گستره قلمرو کیفری قرار می‌گیرد؛ ولی اگر مقررات آیین‌نامه‌ای ملاک بررسیها قرار گیرد، این تنبیهات بر اساس معیار اول از شمول قلمرو کیفری خارج است. در نگاه نخست چنین برداشت می‌شود که این تنبیهات به دلیل تعریف تنبیهات در متن قانون در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. ولی باید توجه کرد قانونی که تنبیهات انضباطی را تشریح می‌کند، قانونی انحصاراً کیفری نیست که بتوان ضمانت اجرایی مشروح در آن را در قلمرو کیفری جای داد (مهاجری و خانلری، ۱۳۸۸، ص ۷۳).

مهمترین مصداق بزه‌دیدگی مردم به دلیل تخلفات شغلی پلیس، بدرفتاری پلیس در مراجع انتظامی و در سطح خیابانها و گذرگاه‌ها با مردم است؛ در تذکر بی‌ادبانه برخی افسران پلیس راهور به رانندگان، تذکر بی‌ادبانه برخی افسران پلیس امنیت اخلاقی به بانوان بدحجاب و عدم اجرای صحیح وظایف شغلی برخی نیروهای پلیس در ادارات انتظامی در برابرکار اداری مردم و ارباب رجوع. پیشگیری وضعی و اجتماعی، راهکار اصلی، ارتقای فرهنگ پلیس در رویارویی با تخلفات رایج نیروهای پلیس است.

۳-۲. تأثیر بدرفتاری پلیس بر بزه‌دیدگی ثانویه اصحاب دعوی

بزه‌دیده شناسی ثانویه در اثر تحول و توسعه بزه‌دیده شناسی اولیه به وجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه‌دیده با ارائه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارتهای وی است و انواع مختلف از حمایتها را در موقعیتهای گوناگون نسبت به بزه‌دیدگان پیشنهاد می‌کند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- حمایت از بزه‌دیدگان بلافاصله پس از تحقق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روانشناختی
 - حمایت از بزه‌دیده در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی
 - حمایت از بزه‌دیده در مرحله تأمین خسارات از قبیل تأمین خسارت زیندیده از منابع دولتی
- یکی از اهداف حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری دوباره اشخاص اعم از بزه‌دیده و بزهکار است. بدون تردید شخصی که با عنوان بزه‌دیده وارد دادرسی کیفری می‌شود به سبب رویارویی با جرم و پذیرش آثار منفی آن به فردی ضعیف تبدیل می‌شود و این حالت، وی را مستعد هر نوع جرم جدیدی می‌کند. چنانچه این شخص مورد حمایت واقع نشود،

بدون تردید می‌تواند صدمات مشابه و شدیدی را دریافت کند که جبران آنها هرگز میسر نباشد. حمایت از این اشخاص قطعاً می‌تواند آنها را در مقابل ارتکاب جرائم بعدی مصون نگه دارد.

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی درصدد کاستن از پیامد بزه‌دیدگی است تا از به ورطه بزه‌دیدگی افتادن بزه‌دیده جلوگیری به عمل آورد. پیشگیری از بزه‌دیدگی از طریق شناسایی اشخاصی که مستعد بزه‌دیدگی هستند و خارج ساختن آنها از موقعیت آسیب‌پذیری و حمایت از بزه‌دیدگان برای جلوگیری از بزه‌دیدگی مکرر با توجه به این نکته که تهدید، خود جرم و باعث بزه‌دیدگی می‌شود، اقداماتی است که در بزه‌دیده‌شناسی به منظور پیشگیری از جرم ضروری مورد توجه قرار می‌گیرد (کینگ و موری، ۱۳۸۳، ص ۵۷)؛ به عبارت دیگر جرم‌انگاری ویژه برای فعل مجرمانه تهدید علیه شرکت کنندگان در فرایند دادرسی کیفری اعم از وکلا، کارشناسان و غیره اقدامی است که با افزایش هزینه ارتکاب جرم، بزهکار ذی نفوذ و قدرتمند را از توسل به تهدید بزه‌دیدگان منصرف می‌کند و از این طریق از بزه‌دیدگی دوباره شاکیان پیشگیری می‌شود. در بسیاری از موارد، شخصی که یک بار مورد تهاجم واقع شده است به علت برخورد غیرموجه عوامل نظام عدالت کیفری دچار آسیبهای مهمی می‌شود.

از میان نهادهای مختلف عدالت کیفری، پلیس به علت اینکه نخستین تماس را با بزه‌دیدگان دارد، بیشتر در معرض رفتار ناخواسته بزه‌دیدگی ثانویه نسبت به بزه‌دیدگان است. رفتار تحقیرآمیز نظام عدالت کیفری با زنان بزه‌دیده بویژه در جرائم منافی عفت و خشونت‌های خانوادگی در بسیاری از موارد به بزه‌دیدگی ثانویه این قبیل بزه‌دیدگان منجر می‌شود به گونه‌ای که مشاهده می‌شود در اغلب کشورها بیشتر بزه‌دیدگان زن، رفتار پلیس را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند.

بی‌اعتنایی پلیس بویژه درباره شکایتهای ناشی از تهدید، برخورد تحقیرآمیز و تردیدآمیز ماموران پلیس و دستگاه قضایی بر بروز بزه‌دیدگی ثانوی تأثیر مهمی در پی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از زنانی که به علت خشونت‌های خانوادگی به پلیس مراجعت می‌کردند، اظهار کردند که موضع ضابطان دادگستری نسبت به این قبیل جرائم انفعالی است (مارلند، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴). یکی از عواملی که برخی اشخاص را از جست‌وجوی عدالت و کمک به پلیس در فرایند کیفری باز می‌دارد، ترس آنها از رفتار خشن پلیس است. بعد از بزه‌دیدگی اولیه، بزه‌دیدگان بویژه در برابر بزه‌دیدگی ثانویه، مستعد و آسیب‌پذیر هستند. در این حالت نهادهای عدالت کیفری بویژه مقامات دولتی و قضایی باید بدقت مراقب تأثیرات روانی زیانبار این نوع مشکلات باشند. بی‌توجهی نهادهای عدالت کیفری به تأمین احساس امنیت بزه‌دیدگان و فراموشی این افراد در نظر سامانه عدالت کیفری، بزه‌دیدگی ثانوی آنها را تشدید می‌کند.

انتشار جزئیات و افشای هویت شهود و کندی در رسیدگی و طولانی شدن رسیدگی به پرونده نیز از مواردی است که بزه‌دیدی ثانوی را در پی دارد. همانند هدف پیشگیری از بزه‌دیدی دوباره در پیشگیری از بزه‌دیدی ثانویه، پیش‌بینی ساز و کارها و اتخاذ تدابیر مناسب و توجه به نیازها و حقوق بزه‌دیدگان و رفتار صحیح و در شأن آنها و تأمین امنیت آنها در تمام مراحل دادرسی اقداماتی است که در راستای حمایت از حقوق شهروندی و به منظور پیشگیری از بروز بزه‌دیدی مورد نظر است. برای بهبود وضعیت بزه‌دیدگان در ایران استخدام و فعالیت پلیس زنان اقدام مثبت و درخور تقدیر است ولی نیروی پلیس زن تاکنون به سبب کمبود نیروی انسانی حضور موثری در فرآیند تحقیقات پلیسی نداشته است (مالمیر، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

بر این اساس، افزایش شمار زنان پلیس و دخالت انحصاری آنان در فرایند رسیدگی به جرائم علیه زنان و کودکان می‌تواند تحول مهمی در ارتقای وضع حقوق شهروندی ایجاد کند.

۴. راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدی اصحاب دعوی در اثر بدرفتاری پلیس

راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدی اصحاب دعوی در اثر بدرفتاری پلیس در چند قسمت جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴-۱. نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح در پیشگیری از جرائم پلیس علیه اصحاب دعوی

سازمان قضایی نیروهای مسلح تنها مرجع قضایی اختصاصی وابسته به قوه قضاییه است که به منظور نظارت بر عملکرد ضابطان و ارائه آموزشهای لازم به آنان در کشف جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی، انتظامی و دیگر جرائم در صلاحیت سازمان و تعقیب مجرمان، محاکمه، صدور حکم، اجرای احکام و هم‌چنین رسیدگی به تظلمات، تعدیات و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی علیه کارکنان نیروهای مسلح ایجاد شده است. این سازمان با به کارگیری کارکنان و قضات متخصص و متعهد و مناسبترین روشها، دادرسی عادلانه را محقق می‌کند و با صدور آرای قضایی اثربخش و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از طریق تعامل مؤثر با نیروهای مسلح، زمینه‌های وقوع جرم را در نیروهای مسلح کاهش می‌دهد (مالمیر، ۱۳۸۶، ص ۸۸).

سازمان قضایی نیروهای مسلح را می‌توان یکی از پیشگامترین ارگانهای برشمرد که به بررسی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم، هم به صورت علمی و هم عملی، پرداخته است. این اعتقاد بر سازمان حاکم است که در کنار واکنش‌های کیفری، که عملاً سرکوب‌کننده است، اقدامات غیر کیفری نظیر پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، راهی مناسب به منظور کاهش وقوع جرم در جامعه است که می‌توان با نظارت دقیق بر زمان و مکان، امکان ارتکاب جرم توسط افراد را به حداقل رساند.

در نهایت باید توجه کرد در بخش "الزامات تحقق چشم انداز بیست ساله نظام در بخش قضایی" مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام به نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح در پیشگیری از جرائم مأموران پلیس تصریح شده است: "همکاری بخشهای حاکمیتی و نهادهای مردمی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تخلفات و بازسازی آسیب دیدگان اجتماعی و بزه کاران به بازگشت آنان به جامعه و زندگی سالم؛ هم چنانکه در بند ۶ "سیاستهای کلی نظام درباره استقلال قضات" بر "برخورد قانونی با تخلفات قضایی" تأکید شده است.

همچنین در مورد نقش پیشگیرانه سازمان قضایی نیروهای مسلح از وقوع جرائم توسط مأموران پلیس می توان به "سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه، مرتبط با امور قضایی" اشاره کرد که بر تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی و وجدان کاری تأکید ویژه دارد و روشن است که رعایت این سه مورد توسط مأموران پلیس در ارتقای بازدارنده های درونی و خود کنترلی ایشان در برابر ارتکاب جرائم بدرفتاری شغلی تأثیر بسزایی دارد.

آخرین سندی که می توان در مورد نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح در پیشگیری از جرائم مأموران پلیس از آن یاد کرد، "سند اهداف راهبردی سازمان قضایی نیروهای مسلح" است که بر الف) بهبود اجرای عدالت ب) بهبود وضعیت پیشگیری از جرم ج) توسعه اقدامات قضایی در کشف جرم و نظارت بر ضابطان اهتمام دارد. بی شک، این نظارت بر ضابطان هنگامی کامل و مطلوب خواهد بود که صرفاً به کشف جرائم عمومی توسط مأموران پلیس محدود نشود و بلکه جرائم ارتكابی توسط خود مأموران (نظارت درون سازمانی، خود نظارتی) را نیز در برگیرد.

نقش ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی در پیشگیری از جرائم پلیس علیه اصحاب دعوی

دادستان یا همان مدعی العموم، وظیفه نظارتی وسیعی در جامعه دارد و باید از جامعه حفاظت و صیانت کند. در اجرای این رسالت و برای کاهش وقوع جرائم و گرفتن اطلاعات صحیح از میان مردم و احیای سنت نیکوی امر به معروف و نهی از منکر و سازماندهی جوانان متدین و مساجد و محلات و شهرهای استان و برقراری ارتباط میان همه اقشار با تشکیلات قضایی، طرح تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی استان تدوین و تصویب شد.

ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی به موجب بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه در تاریخ ۸۳/۷/۲۶ تشکیل شد. "به موجب این بخشنامه، هدف تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و ارجاع بندهای ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و پیشگیری از وقوع جرم و به تجویز بند ۱

اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود، ریاست عالی شورا و نظارت بر آن توسط ریاست قوه قضاییه اعمال می‌گردد.

از جمله اعضای عالی این ستاد دادستان کل کشور است؛ چنانکه در ماده ۴ و ۶ این دستورالعمل تأکید شد، دادستان کل، رئیس شورای مرکزی است و دبیر شورا با انتخاب اعضا و رأی و تصویب دادستان منصوب می‌شود و مسئول ابلاغ و پیگیری مصوبات شورا است.

در سال ۱۳۸۹ معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه تشکیل، و آقای دکتر ذوالقدر از سوی حضرت آیت الله آملی لاریجانی به سمت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه منصوب شد. با تشکیل این معاونت، تشکیلات تفصیلی معاونت استانها از سوی قوه قضاییه تصویب و ابلاغ شد که به موجب این تشکیلات جدید، این معاونت به عنوان یکی از معاونتهای رئیس کل دادگستری استانها منصوب شد. در این معاونت بعد از واحدهای ستادی، دو مدیریت پیش‌بینی شده است:

مدیریت اول: پیشگیری از وقوع جرم، شامل چهار اداره (۱) اداره پیشگیریهای انتظامی وضعی (۲) اداره پیشگیریهای قضایی حقوقی (۳) اداره برنامه ریزی و دبیرخانه شورای پیشگیری از وقوع جرم استان (۴) اداره پیشگیریهای اجتماعی فرهنگی است. مدیریت دوم تحت عنوان مدیریت حفاظت اجتماعی و مشارکتهای مردمی و مدنی (ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی) است. به موجب ماده ۳ این قانون، وظایف شورای پیشگیری از جرم مشخص شده است که از جمله در بند ۱ ماده ۳ مذکور، "تصویب طرحها و برنامه‌های پیشگیری از جرم" و در بند ۲ به "تبیین نقش و وظایف هر یک از دستگاهها و سازمانهای دولتی در زمینه پیشگیری از جرم در چارچوب وظایف قانونی آنها" تصریح شده است. همچنین "اتخاذ تدابیر مناسب به منظور هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاههای مسئول در زمینه پیشگیری از جرم" موضوع بند ۴ و "بررسی لوایح مورد نیاز برای پیشگیری از جرم"، امری است که بند ۵ این ماده بدان اشاره شده است.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اقدام مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات جرمزا، اتخاذ سیاستهای لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیشگیری از جرم، اتخاذ تدابیر لازم برای جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تهیه، تدوین و اجرای طرحها و برنامه‌های پیشگیری از جرم و نهایتاً ارزیابی نتایج اجرای طرحها، برنامه‌ها و عملکرد دستگاههای مسئول در زمینه پیشگیری از جرم از دیگر مفاد این ماده است. همچنین از جمله اهداف ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی می‌توان به (۱) احیای سنت نیکوی امر به معروف و نهی از منکر (۲) پیشگیری از وقوع جرم (۳) پاکسازی جامعه از عناصر مجرم و (۴) نظارت و حمایت قانونی از امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

بنابراین روشن است که ستاد حفاظت و پیشگیری اجتماعی دارای نقش بسزایی در دو مقیاس عمومی و تخصصی است. در مقیاس عمومی، این ستاد به اتخاذ تدابیر لازم برای جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تهیه، تدوین و اجرای طرحها و برنامه‌های پیشگیری از جرم اقدام می‌کند؛ اما در بُعد تخصصی رسالت ویژه‌ای در تقویت بازدارنده‌های دینی جرم و تحکیم بنیانهای اخلاقی مأموران پلیس دارد بویژه آن‌گاه که پیشگیری از جرائم بدرفتاری شغلی در دستور کار ناجا قرار گیرد.

۲-۴. نقش اداره نظارت بر حقوق شهروندی قوه قضاییه در پیشگیری از جرائم مأموران پلیس در جانمایه و خمیرمایه هستی، عدل و کرامت و آزادی و آزادی و حرمت و حقوق انسانها نهفته شده است. حقوق شهروندی نیز حقوقی است که به اعتبار شهروند بودن افراد و اشخاص بر عهده حاکمان است و این حقوق شامل حقوق فردی و اجتماعی و نقش حاکمیت در این وادی نیز صیانت و اقامه و احیای این حقوق است. این حقوق شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی، قضایی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و... می‌شود (مرعشی شوشتری، ۱۳۸۱، ص ۴۵). التزام به انصاف، صیانت از کرامت و حرمت انسانها و توجه به حقوق شاکي، مشتکی عنه و جامعه به موازات عدم اطاله دادرسی، دور از تمایلات غلط و غیرعادلانه، صداقت و سرعت، دقت و قاطعیت، حمایت از مظلوم و کوتاه کردن دست ظالم از جمله عوامل دادرسی عادلانه و منصفانه است. ماده ۱۱ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی در ارتباط با ممنوعیتهای پلیس در بازجویی (که در پیشگیری از جرائم بدرفتاری شغلی نیز ریشه دارد) مقرر می‌دارد: "پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی اجترّاز گردد." هم‌چنین ماده ۱۳، این قانون تصریح می‌کند: "محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و چگونگی رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود." ماده ۱۴ این قانون نیز بر جنبه دیگری از ابزارهای تقنینی پیشگیرانه نسبت به جرائم بدرفتاری شغلی مأموران پلیس اهتمام دارد و بیان می‌کند: "از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب شود و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیای تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردد و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید."

۵. نتیجه‌گیری

بزه‌دیدگی اصحاب دعوا از سوءعملکرد مأموران پلیس از عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی ناشی می‌شود: ۱. عملکرد صلاح‌دیددی و سلیقه‌ای پلیس ۲. خرده فرهنگ نامناسب حاکم بر سازمانهای پلیسی ۳. ابهام در محدوده اجرا و عدم اجرای قانون توسط پلیس ۴. ضعف نظارت انتظامی و سازمان قضایی نیروهای مسلح در جدّیت در برخورد با مأموران مجرم و متخلف پلیس. بزه‌دیدگی اصحاب دعوا از رفتارهای منحرفانه و مجرمانه پلیس، جلوه‌های گوناگونی دارد و راهکارهای پیشگیری و واکنش ویژه‌ای نیز دارد. پیش‌بینی ضوابط مربوط به چگونگی بازرسی در دیگر نظامهای دادرسی کیفری (دیگر کشورها) در راستای کاهش سوءاستفاده‌های احتمالی مأموران پلیس از اختیارات قانونی است.

یکی از جلوه‌های بزه‌دیدگی اصحاب دعوا از بدرفتاری پلیس، اعمال تبعیض جنسیتی، نژادی، ملیتی، فرهنگی و طبقاتی نسبت به اصحاب دعوا توسط مأموران پلیس است. اعمال خشونت بیشتر پلیس نسبت به اتباع بیگانه، اقلیتهای مذهبی و طبقات فرودست، شاخصهای امنیت و اعتماد اجتماعی به پلیس را بشدت کاهش می‌دهد و پدیده بزه‌دیدگی اصحاب دعوا (شاک، شاهد، مردم مرتبط با جریان پرونده) از بدرفتاری مأموران نظام کیفری (دادیار، بازپرس، دادستان، قاضی و بویژه مأموران انتظامی) را افزایش می‌دهد. اگر دستگاه عدالت کیفری و خصوصاً بخش انتظامی این دستگاه در رفتار با قربانیان جرائم و تأمین نیازهای بجا و معقول آنان (بویژه قربانیان جرائم خشونتبار و جرائم جنسی) کوتاهی کند، "بزه‌دیدگی ثانویه" واقع می‌شود که آثار آن از "بزه‌دیدگی اولیه" کمتر نیست.

در این تحقیق تلاش شد تا این آسیبها در مرحله مقدماتی از فرایند عدالت کیفری (مرحله تعقیب و تحقیق انتظامی) شناسایی شود و عوامل ایجاد آنها مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین شناخت دقیق این نوع بزه‌دیدگیها با استفاده از ابزارهای حقوقی و جرم‌شناختی و راههای پیشگیری از آن مورد منظور است تا بتوان گامی هرچند کوچک در جهت رفع مشکلات اجرای عدالت برداشت. رویکرد تحقیق و زاویه تحلیل آن، جامعه‌شناسی کیفری است. باید بدانیم در کنار رشته جامعه‌شناسی جنایی، رشته مطالعاتی یا تخصصی دیگری در علوم جنایی تجربی، شاخه تحلیلی - تفسیری با عنوان جامعه‌شناسی کیفری وجود دارد.

از آنجا که وجود فساد در دستگاههای دولتی باعث اخلال در اداره امور دولتی و مانع رشد و توسعه یافتگی و نیز باعث نارضایتی مردم و تضعیف اقتدار حاکمیت در هر جامعه‌ای می‌شود، حقوق کیفری برای مبارزه با این امر مهم، موظف است به عنوان مهمترین اهرم مقابله با جرم

در جامعه با به کار بستن روشهای خاص خود و تدوین قوانین کیفری مناسب به حفظ و ارتقای سلامت نظام اداری بپردازد.

درباره علل وقوع جرائم ارتكابی توسط مأموران پلیس باید به مواردی همچون ضعف نفس و ضعف ایمان برخی مأموران، تشکیل و رشد اختلالات شناختی و رفتاری در بعد اخلاقی در شخصیت برخی مأموران و ضعف بازدارنده‌های درونی (آنچه در تعبیر اسلامی از آن به "نفس لوامه" تعبیر می‌شود)، اشاره کرد. بی تردید در صورت قوت و اتقان ایمان و خدا ترسی مأموران پلیس، فرصتهای قابل سوء استفاده اخلاقی توسط آنان عملاً تا حدود زیادی مصون از جسارت و سوء استفاده باقی خواهد ماند. در این زمینه، نقش نظام گزینش و تشخیص صلاحیت عمومی هنگام جذب مأموران به اشتغال انتظامی پررنگ می‌شود.

مواردی چون اعمال خشونت ناروا در دستگیری و بازجویی و دیگر مراحل تعقیب و تحقیق، احضارهای غیرضروری، بی‌توجهی به دادخواهی مردم در فرایند تعامل با کلانتری، انتظارات و مطالبات ناروا از مردم، سوءاستفاده از قدرت و اغماض نابجا نسبت به متهمان خطیر اما صاحب قدرت و ثروت از مهمترین مصداقهای بزه‌دیدگی مردم از بدرفتاری و فساد پلیس است. ضعف قوانین مکفی و شفاف، ضعیف بودن وجدان کاری، ضعف آگاهی افراد از حقوق و آزادیهایشان و حدود اختیارات قانونی پلیس، ضعف نظارت بر تخلفات پلیس و اعمال تبعیض و اغماضهای ناروا و مشکلات مالی و فرهنگی و فشارهای شغلی از عوامل این بزه‌دیدگی از بدرفتاری انتظامی است. بازنگری در برخی قوانین و تصویب قوانین با ضمانت اجراهای کافی، تقویت وجدان کاری، نظارت دقیق بر فرایند اجرای عدالت کیفری، آگاهی دادن به شهروندان در زمینه حقوق و تکالیف متقابل پلیس و مردم و افزایش نظارت و سختگیری بر استخدام و ارتقای نیروی پلیس به همراه افزایش رفاه شغلی مأموران پلیس می‌تواند تا حدی از این بزه‌دیده سازی انتظامی پیشگیری کند. سیاست کیفری سختگیرانه اما منطقی، راهبرد مناسب واکنش جزایی به مأموران متخلف و مجرم است.

۶. پیشنهادهای کاربردی

در پایان با توجه به نتایج این مقاله، موارد ذیل به عنوان پیشنهاد ارائه می‌شود:

- تأسیس یک نهاد درون‌سازمانی و بین‌رسته‌ای به نام "مرکز مطالعات پیشگیری از جرائم پلیس" با همکاری نهادهای متولی از جمله: حفاظت اطلاعات ناجا، سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، پلیس پیشگیری و... که وظیفه آن، جمع‌آوری و تحلیل آمار جرائم ارتكابی توسط مأموران پلیس و بویژه جرائم بدرفتاری شغلی مأموران باشد و البته فقط

جنبه مطالعاتی نداشته باشد، بلکه سازوکارهای قانونی و اجرایی به منظور الزام‌آوری تصمیمات این مرکز برای نهادهای ذی‌ربط نیز فراهم آید تا تدبیر (پیشگیری و واکنش) در برابر جرائم غیراخلاقی مأموران ناجا تحت مدیریتی واحد، منسجم و دانش بنیان درآید.

- طراحی الگوی بومی پیشگیری از بزه‌دیدگی در جرائم بدرفتاری شغلی ارتكابی توسط مأموران پلیس

- تدوین نقشه "جرم‌شناسی جرائم پلیس" که طبقه‌بندی موضوعی جرائم، توزیع جغرافیایی، عوامل ارتكاب و راهکارهای پیشگیری و مجازات را نیز داشته باشد.

- تجربه افتراقی بزه‌دیدگی از جرائم جنسی در موارد ارتكاب جرائم توسط مأموران پلیس
- طراحی آزمون نشانه‌های بالینی و روانشناختی اختلالات شناختی، هنجاری و رفتاری مستعد برای بروز و ارتكاب جرائم بدرفتاری شغلی و اجرای این آزمون برای متقاضیان استخدام در نیروی انتظامی و نیز نیروی انتظامی

- بررسی و تحلیل تجربه‌های بین‌المللی حمایت از بزه‌دیده به منظور شناسایی مداخله‌های منطقه‌ای مناسب

- تلاش همه‌جانبه برای افزایش سطح آگاهی‌های عموم مردم درباره وظایف و اختیارات پلیس، به منظور پیشگیری از غافل ماندن مردم در موارد سوء استفاده‌های پلیس که به بزه‌دیدگی مردم منجر می‌شود و به طور کلی توسعه آموزش‌های حقوقی به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی مردم.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). جرم‌شناسی پیشگیری، ج ۱، چ دوم، تهران: نشر میزان.
- الستی، ساناز (۱۳۸۵). بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی، دادرسی، ش ۵۶.
- بلونت، ارنست. سی (۱۳۹۴). جرائم شغلی: کشف، بررسی و گزارش‌های اطاعت و پیروی از قانون با دستورالعمل‌های فدرالی، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، تهران: نشر کارآگاه.
- بولک، برنار (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، چ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- توجهی، عبدالله؛ نجفی ابرنآبادی؛ علی حسین (۱۳۷۸). بزه‌دیدگی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده، فصلنامه مدرس، ش ۱۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۲.

- رضائیان، علی (۱۳۸۹). مبانی رفتار سازمانی و سرطان اجتماعی فساد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساریخانی، عادل (۱۳۸۹). پژوهشی فقهی- حقوقی در جرائم مطبوعاتی، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فرهودی‌نیا، حسن؛ موسی‌زاده؛ مهدی (۱۳۹۲). حقوق متهم در دوره تحقیقات مقدماتی در لایحه‌ابین دادرسی کیفری، در: دایره المعارف علوم جنایی، تهران: نشر میزان.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۸). مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کینگ، گری و کریستوفر موری (۱۳۸۳). بازاندیشی در امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، مطالعات راهبردی، س هفتم، ش ۴.
- مارلند، لوئیز وست (۱۳۸۸). جنسیت و پلیس: جنس، قدرت و فرهنگ پلیس، ترجمه فروزان سجودی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- مالمیر، محمود (۱۳۸۶). شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، تهران: نشر دادگستر.
- محمودی، سید محمود (۱۳۸۸). جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در فرانسه، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، د ۳۹، ش ۳.
- مقدسی، محمدباقر؛ فرجیها؛ محمد (۱۳۹۰). رویکرد عوامگرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۱۵، ش ۲.
- مهاجری، علی؛ خانلری، عبدالرضا (۱۳۸۸). جرائم شغلی دولت، تهران: نشر کیهان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی، با همکاری حمید هاشم بیگی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

پژوهش‌های حقوق تطبیقی
 رتال جامع علوم انسانی